

ماده شانزدهم اعلامیه حقوق بشر - (۱) هر زن و مرد بالنی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب باهمدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند.

در مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط با ازدواج، دارای حقوق مساوی میباشند.

(۲) ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود.

(۳) خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود.

محدودیت در ضمن تسمیلات!

❁ دخالت دادن رضایت کامل طرفین ازدواج

❁ تنها محدودیت از نظر مذهب

دقت و مطالعه در پیرامون مسائل مربوط به «تشکیل خانواده» از نظر اسلام این مطلب را برای ما روشن میکند که: اسلام میخواهد از راه ازدواج، کانون خانواده را غرق در مسرت و شادمانی کند؛ و کاخ رفیع زناشویی را روی جاذبیت روحی و علاقه معنوی و عشق مقدس استوار سازد و «من آیات هان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهن و جعل بینکم مودة و رحمة یعنی: یکی از نشانه‌های خداوندانینست که از نوع خودتان برای شما همسران آفریده تا بدانها آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی قرارداد» (۱)

شکی نیست در غیر اینصورت ارکان خانواده متزلزل شده و با انحلال وجدائی خواهد گذاشت و با اگر روی عوامل خاصی طرفین ازدواج نتوانند از هم جدا شوند میبایست یکمرد

آتش کشمکش و اختلاف و نزاع بسوزند ، آنوقت فرزندانیکه در چنین خانواده ای نشو و نما می کنند وزیر نظر چنین پدران و مادرانی تربیت میشوند چه خواهند شد ؟ ، خدا میداند .

روی همین حساب دقیق است که اسلام ، رضایت کامل طرفین ازدواج را شرط صحت عقد زناشویی میداند . برخلاف سنتهایی که در اقصای پیش از اسلام و مقارن آن در جزیره العرب و کشورهای دیگر دنیا ی آنروز جریان داشت ، مبنی بر اینکه فرزندان در مقابل خواست پدران و اولیاء خود حق هیچگونه اظهار نظری نداشتند ، می بایست تسلیم بی چون و چرای خواسته ها و نظریات آنان باشند ، اسلام مقرر می دارد : اگر در برقراری عقد ازدواج ؛ پای جبر و اکراه . چه از ناحیه پدر و مادر و چه از ناحیه افراد دیگر در میان باشد و طرفین ازدواج نسبت بآن رضایت کامل نداشته باشند ، عقد زناشویی صورت نخواهد گرفت .

بنابراین همان نظوری که ماده شانزدهم اعلامیه حقوق بشر ، مقرر داشته « ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود » و این خود عامل مؤثری نسبت با افزایش آمار ازدواج و برقراری کانون خانواده و فراهم ساختن تسهیلات لازم در امر ازدواج خواهد بود

ولی از آنجا که ممکن است معمولاً دختران جوان و بی تجربه فریب افرادی را که بکلی شایستگی همسری آنها را ندارند بخورند و تحت احساسات زودگذری قرار گیرند ، در نتیجه لطمه جبران ناپذیری بزندگی آتی خود و فرزندان نشان وارد سازند ، از این جهت طبق نظریه بسیاری از فقهاء اسلام لازم است که در عقد ازدواج علاوه بر رضایت کامل دختر رضایت اولیاء نیز جلب شود . البته این در صورتی است که ولی دختر مصالح عمومی زندگی او را در نظر گرفته باشد و گرنه اذن او معتبر نخواهد بود یعنی اگر اولیاء روی منافع شخصی خود یا مطالب موهومی از ازدواج دختر خود در موردی که بنفع اوست جلوگیری بعمل آورند ، اجازه آنها معتبر نخواهد بود (۱) .

شکی نیست که این دستور نیز بنفع دختران ، تشریح شده نه آنکه اسلام نسبت بآنها نظر تحقیر و اجحاف و ستم داشته است .

ما برای آنکه خوانندگان محترم در این زمینه با متن دستور اسلام آشنائی بیشتری پیدا کنند ، ترجمه یک روایت را در اینجا می آوریم :

ابن عباس می گوید : دختری پیش رسول اکرم آمد و عرضه داشت : پدرم مرا به پسر برادرش تزویج کرد تا بدینوسیله پستی خانوادگی او را جبران کند و حال آن که من نسبت باین

ازدواج کاملاً بی‌میل! پیغمبر باو فرمود: برای احترام پدرت بد نیست که عقد ازدواجی که او بسته است اجازه دهی، دختر گفت همانظوری که عرضه داشته‌ام من باین ازدواج بی‌میل. حضرت فرمود: پس برو باهر که می‌خواهی ازدواج کن، آنگاه دختر گفت: گرچه من میل ندارم بر خلاف میل پدرم رفتار کنم ولی می‌خواستم بدینوسیله بزنها اعلام کنم که پدران حق ندارند تا این اندازه در سر نوشت دخترانشان دخالت کنند (۱)

گرچه عقد ازدواج بر خلاف بسیاری از عقود دیگر، دارای اهمیت خاصی است که بدون تلفظ و بکار بردن الفاظ مخصوصی که بطور صریح حکایت از رضایت پیوند مقدس زناشویی کند، صورت نخواهد گرفت و این مقدار محدودیت نسبت باین امر حیاتی بدون شك ضرورت دارد و گرنه هر چه و مرج اجتماعی پدید خواهد آمد ولی بطوریکه در سابق هم تذکر دادیم: دختر و پسر در صورتیکه بالغ و عاقل باشند، صلاح و فساد خود را خوب تشخیص دهند، می‌توانند باهم دیگر پیوند عقد زناشویی را برقرار کنند و بنا بفتوای بسیاری از حقوق دانان اسلامی، در بر گزاری این پیوند مقدس، نه تنها عواملی مانند: ترس از فقر، تشریفات سنگین و مخارج کمر شکن، نژاد، ثروت، شخصیت خانوادگی، ملیت، زیبایی، زبان، منصب، نسب و نظائر اینها نمیتوانند مانع از بر گزاری آن شوند بلکه حتی بدون رضایت پدر و مادر، (در صورتیکه نظر پدر و مادر بر خلاف مصالح دختر باشد و اگر بر طبق مصالح آنها باشد نظر آنها مقدم است) و بدون آنکه کسی شاهد بر گزاری عقد زناشویی آنان بشود ازدواج صورت خواهد گرفت و صحیح و نافذ خواهد بود (۲) و اینها خود، گام بزرگی است که اسلام، درباره تسهیلات لازم، در امر ازدواج برداشته است.

تنها محدودیت از نظر مذهب

همانطوریکه در جای خود به ثبوت رسیده، اسلام، يك آئین بتمام معنی جامع و کاملی است که همه جنبه‌های جسمی و روحی، فردی و اجتماعی، مادی و معنوی؛ اعتقادی و سیاسی و بطور کلی دنیوی و اخروی آدمی را در نظر گرفته و برای بکمال رساندن و رفع نیازمندی آن جنبه‌ها مقررات و برنامه‌های متناسب آورده است و بطور تحقیق، هیچ آئین و مقررات دیگری خواه قوانین موضوعه بشری و خواه ادیان و مذاهب آخری، این خاصیت را ندارند.

روی همین حساب است که اسلام؛ تمام وسائل تحقیق و کاوش و بدست آوردن يك چنین آئین جامع الاطراف را در اختیار همگان گذارده تا هر کسی با بررسی در اصول اعتقادی و کنجکاوی

(۱) مسالك مرحوم شهيد ثانی کتاب نکاح .

(۲) شرایع کتاب نکاح، لعمه کتاب نکاح ج ۲ ص ۵۷

در مبادی دینی حق را از باطل تمیز داده ؛ نسبت باین آئین جامع و کامل گرایش پیدا کنند «لا اکراه فی الدین قد تبیین الرشد من النی یعنی : چون راه صواب از گمراهی امتیاز یافته ، دیگر اجبار و اکراهی در پذیرش و ایمان بآن راه ندارد» (۱)

همین امر باعث شده که اسلام هیچ آئین و مقررات دیگری را شایسته پیروی نداند و با هر عاملی که موجب انحراف مردم از این آئین مطابق با فطرت بشود مخالف است «ومن یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه وهو فی الآخرة من الخاسرین یعنی : هر کس غیر از اسلام دینی را بپذیرد ، از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت از زیانکاران است» (۲).

برای همین منظور است که اسلام ، در باب ازدواج و انتخاب همسر ، با آنکه هر گونه محدودیتی را لغو کرده است ؛ تنها محدودیت مذهبی را بشرح زیر ؛ ضروری دانسته است :

زن مسلمان بطور کلی ، و مرد مسلمان بطور عقد دائم ، نمیتوانند با غیر مسلمان عقد زناشویی برقرار سازند (۳) فکرمی کنم ، رمز این محدودیت باینکه در بالا گفته شده و همچنین در آیه ۲۲۱ از سوره بقره با جمله «اولئک یدعون الی النار...» یعنی : پیروان ادیان دیگر مردم را با تش میخوانند ، اشاره شده روشن شده باشد زیرا همانطوریکه دانشمندان روانشناس میگویند و تجربه نیز گفته های آنان را ثابت کرده ؛ آدمی موجودی است رنگ پذیر و دارای انفعالیّت و جدان که در اثر آمیزش و اختلاط ، زود تحت تأثیر قرار گرفته و رنگ محیط را می پذیرد و البته این خصیصه در جنس زن که موجودی عاطفی است ، بطور روشنتر و بیشتری تجلی دارد ، از اینجهت است که اسلام اجازه نمیدهد زن و مرد مسلمان با غیر مسلمان عقد زناشویی برقرار سازند زیرا که ممکن است هر کدام از آنها در اثر همین خاصیت رنگ پذیری که دارند ، تحت تأثیر عقائد و افکار انحرافی زن یا شوهر غیر مسلمان قرار گرفته ، از میدان جاذبیت معنوی اسلام بیرون رفته و از مسیر حقیقت و جاده فضیلت و فطرت منحرف گردند و این خود عامل مؤثری برای جلوگیری از فساد عقیده و تزلزل ایمان جامعه و هلاکت و نابودی نسل شایسته و صالح است بنا بر این اسلام ، برخلاف اعلامیه حقوق بشر ، در عین آنکه تمام محدودیتهای ملی ، نژادی ، امتیازات طبقاتی ... را چنانکه گفته شد ، در امر ازدواج لغو و باطل کرده ، محدودیت مذهبی را روی علل و موازینیکه توضیح داده شد ، کاملاً صحیح میدانند .

(۱) سوره بقره ۲۵۶

(۲) آل عمران آیه ۸۵

(۳) البته این نظریه اکثریت قریب با اتفاق حقوق دانان اسلامی است